



لویه جرگه امریکایی

نگ تاریخی دیگری را رقم زد

یکبار دیگر لویه جرگه مورد سوءاستفاده رژیمانه قرار گرفت و یک تعداد چهره های آشنا که جنایتکار بودن، مزدور بودن و چپاولگر بودن و ضد مردمی بودن شان را باربار به اثبات رسانیده اند، با عده ای از نمایندگان بلی گوی دولت پوشالی کرزی یکجا شدند و همانگونه که قابل پیشبینی بود، به فروش افغانستان به دولت تجاوزگر امریکا بلی گفتند. کرزی و حواریونش به اشاره صاحبان امریکایی شان ده میلیون دالر از خزانه ملت فقیر و دربر را در یک حرکت عوامفریبانه به هدر دادند تا در مجامع جهانی تبلیغ نمایند که گویا "به هدایت ملت افغانستان" این خیانت تاریخی صورت گرفته است.

در گذشته میهنفروشان خلق و پرچم با راه اندازی یکچنین جرگه های فرمایشی خواستند که مزدوری شان به "همسایه بزرگ شمالی" را زیر نام مشوره ملت توجیه کنند که جایی را نگرفت و همراه با اربابان شان به زباله دان تاریخ رفتند. امروز یکبار دیگر دولت مزدور کرزی تجارب ناکام و ننگین مزدوران روس را تمرین میکند ولی دیگر مردم ما به آنقدر آگاهی دست یافته اند که فریب این بازی های خایانه را نخورند.

پیمان غلامی و پایگاههای دایمی امریکا در افغانستان بحث تازه ای نیست، از دهسال بدینسو امریکا و متحدانش ماشین عظیم جنگی و پایگاههای مشکوک شانرا در نقاط مختلف کشور ما جابجا کرده اند تا در تقابل با قدرت های نوظهور آسیایی، موقعیت نظامیش را به مثابه قلدر جهان حفظ نماید. خیانت امضای پیمان مزدوری به امریکا را در سال ۲۰۰۳ به دور از چشم ملت شخص داکتر عبدالله مرتکب شده بود ولی اینک مزدبگیران امریکا خواستند از طریق این جرگه ننگین مهر "خواست ملت" را نیز بر این حرکت میهنفروشانه بکوبند و آنرا قانونی جلوه دهند.

وطنفروشان و تسلیم طلبان خادم امریکا طوری وانمود میکنند که گویا خوشبختی و آینده درخشان کشور ما در گرو پیمان استراتژیک با امریکا نهفته است. اما مردم دیگر به این آگاهی رسیده اند که دولت امریکا از سی سال بدینسو یکی از عوامل اصلی برابادی و نگونبختی کشور و مردم ما بوده است و تمامی باند های آدمکش جهادی و طالبی را این دولت جنگ افروز ایجاد و تسلیح نموده لگام شانرا به دست آی.اس.آی سپرد. این امریکا بود که برای اهداف استراتژیک، اقتصادی و سلطه جویانه اش مردم ما را گوشت دم توپ ساخت و تاریک اندیش ترین، ضد دموکراتیک ترین، وحشی ترین و ضد مردمی ترین گروهها را بر مردم ما تحمیل نمود. طی دهسال گذشته نیز امریکا آدمکشان بنیادگرا را با تمام توان تقویت نمود و حتی با طالبان جهالت پیشه و صاحبان پاکستانی و ایرانی شان در پس پرده در تباری قرار داشت.

لویه جرگه مسخره در واقع با تایید پایگاه های دایمی امریکا در افغانستان، به استقلال، حاکمیت ملی و اختیارات مردم ما بر خاک و وطن شان الوداع گفت و دربست افغانستان را به یک کشور متجاوز که خون ملتهای بیشماری بر بیرقش نقش بسته است تقدیم کرد. امضای این معاهده شرم آور فرقی با معاهده "گندمک" ندارد و آنانی که به پای آن امضا میگذارند نام شانرا به مثابه خاینان ملی در اوراق تاریخ ما ثبت میکنند.

در اعلامیه پایانی جرگه، برای فریب مردم ما لیست طولانی ای از خواسته های دلپسند و بلندبالا از دولت امریکا مطرح شد که ولو تمام آنها در پیمان استراتژیک درج شوند، امریکا به مثابه یک کشور زورگو و یکه تاز همانگونه که خود را ملزم به عملی کردن هیچ قرارداد بین المللی نمیداند، در برابر یک کشور فقیر و کوچک نیز هرگز به وعده هایش وفا نخواهد کرد. شرایطی را که امریکا در قبال امضای این پیمان بر مردم ما تحمیل میکند آنچنان ننگین و برده واران خواهد بود که مزدورانش جرئت نکردند آنرا نزد نمایندگان جرگه شان فاش کنند. این آقایان و خانم ها فراموش میکنند که وقتی دولتی نتواند به ملت خودش خوشبختی، آسایش و آزادی به بارآورد چطور ممکن است برای مردم ما کوچکترین کار مثبتی انجام دهد. اینان نمیدانند که همین اکنون دولت امریکا با خیزش میلیونی مردم به جان رسیده امریکا زیر نام "اشغال وال استریت" روبروست که با شعار "ما ۹۹ فیصد هستیم" در اعتراض به وضعیت اسفبار زندگی شان دولت ستمگر آنکشور را به زانو درآورده است و این خیزش های امیدبخش روزتاروز خروشانتر و وسیعتر از پیش بنیاد کاخ سفید و پنتاگون را لرزان خواهد کرد.

امریکا با خطرناکترین بحران اقتصادی مواجه است که دیگر قادر نیست از نظر اقتصادی جهان را زیر نفوذش قرار دهد، بنا تلاش دارد که با توسل به نیروی بی رقیب نظامی قدرت های نوظهوری را که دیگر نمیخواهند زیر بار این دولت زورگو قرار گیرند، مورد تهدید قرار دهد. ایجاد پایگاه های عریض نظامی در افغانستان یکی از برنامه های استراتژیک امریکا برای تکمیل حلقه تسلط نظامیش بر سرتاسر جهان است. ضمنا امریکا راه خروج از

بحران جاری اقتصادی را در چپاول هرچه بیشتر منابع طبیعی کشورهای فقیر میداند. همانگونه که عراق و لیبی را به خاک و خون کشید تا به نفت آنها دست یابد، منابع سرشار طبیعی افغانستان را که از طریق دولت پوشالی اش بدون هیچگونه محدودیتی به آن دست دارد به غارت خواهد برد. همچنان امریکا میهن ما را به مرکز مافیای مواد مخدر جهان تبدیل کرده است و سالانه صدها میلیارد دالر از تجارت پنهانی آن سود میبرد که به هیچصورت داوطلبانه حاضر نخواهد شد از این عاید چشمگیر دست بردارد. اگر در جریان جنگ ویتنام نظامیان امریکا مواد مخدر را در تابوت های کشته شدگان شان جابجا کرده مخفیانه به امریکا منتقل میکردند، در افغانستان اینکار را بدون هیچگونه مانعی ای بوسیله طیارات بی ۵۲ شان عملی میسازند.

این جنایتکاران، خاینان، چپاولگران و ستمگران اند که به حضور دایمی ارباب بالای سر شان نیاز دارند چون بین مردم منفور اند و در صورت خروج نیروهای خارجی قدرت و سرمایه های بادآورده و حرام شانرا در خطر میبینند. امریکا در دهسال گذشته اینان را از غارهایشان بیرون کشیده به وزیر، رئیس، سفیر، مارشال و بزرگترین سرمایه داران کشور ما تبدیل کرد بنا این ستم پیشگان حق دارند که امریکا را خدای شان دانسته برای قانونی ساختن حضورش سگ دوی نمایند. اینان امریکا را نیروی شکست ناپذیر میدانند ولی تاریخچه شکست های مفتضح امریکا در برابر مردم آزادی دوست ویتنام و حال عراق را فراموش میکنند. اما اشغالگران امریکایی برای مردم ما جز بدبختی و فقر، اعتیاد، نفاق ملی، اسارت و بردگی تحفه ای نخواهد داشت.

لویه جرگه نشینان یکصدا امضای این قرارداد شرم آور را به این دلیل موجه میدانند که جلو مداخلات پاکستان و ایران در کشور ما گرفته شود. اما اینان خود را به حماقت زده بر این حقیقت روشن چشم می پوشند که دلیل موثر بودن مداخلات بیشرمانه ایران و پاکستان در وجود مزدبگیران و جواسیس این کشورها در بالاترین رده های دولتی نهفته است. این امریکا بود که طی دهسال گذشته دست های خونپر پاکستان و ایران را در کشور ما باز گذاشت و رسواترین نوکران آی.اس.آی و واک را همه کاره اداره فاسد و مافیایی شان نمود.

اکثر به اصطلاح نمایندگان لویه جرگه در سخنرانی هایشان با بیشرمی از امریکا درخواست میکردند که مرز های کشور را در برابر مداخلات خارجی محافظت کند. این منتهای بی غیرتی و پستی است که دفاع از مادروطن را به یک دولت متجاوز واگذار کرد. اینان به تاریخ درخشان بیگانه ستیزی و روحیه استقلال خواهی ملت ما لجن میباشند و چهره مسخ شده از وطن ما که لقب "گورستان امپراتورها" را گرفته ارائه میکنند. ملتی که نتواند از حریم کشور شان در برابر تجاوزکاران دفاع کند، شایسته نفرین و نابودیست. ولی مردم فقیر اما آزادیخواه ما بارها ثابت کرده اند که قادرند از وجب و جب خاک شان در برابر اشغالگران با دست خالی دفاع نمایند به شرطی که از چنگال میهنفروشان و خاینان داخلی رهایی یابند.

کشوری که پایگاه های نظامی امریکا را در خاکش داشته باشد هرگز نمیتواند ادعای استقلال خواهی نماید. آنانی که جاپان را به مثابه یک نمونه مثبت یاد میکنند، از تنفر و مبارزات خستگی ناپذیر مردم جاپان علیه پایگاههای نظامی امریکا بیخبر اند. مردم جاپان از اینکه نیروهای امریکایی مستقر در آنجا به هیچ قانون و اصولی پایبند نیستند و استقلال شانرا خدشه دار ساخته شاکی اند و اعتراضات گسترده ای را راه انداخته اند که دولت جاپان و امریکا را وادار ساخته که به فکر انتقال پایگاه نظامی اوکیناوا به نقطه دیگری گردند.

تاریخ ثابت ساخته که هیچ ملتی نمیتواند با توسل به یک قدرت بیرونی به آزادی، عدالت و خوشبختی برسد. این مردم یک کشور اند که باید با جانفشانی و نثار خون شان زنجیر های ستم و استبداد را بشکنند و به رستگاری برسند. چاکران امریکا و به اصطلاح تحلیلگران فروخته شده که به نیروی مردم اعتقادی ندارند نمیتوانند این حکم تاریخ را درک کنند.

حزب همبستگی افغانستان همصدا با ملت درددیده اما استقلال طلب و وطن دوست ما عقد هرگونه قرارداد برای پایگاه های دایمی امریکا را خیانت ملی خوانده و با تمام وجود علیه این حرکت شرم آور به پا خواهد خاست و آنانی را که به این ننگ تاریخی بلی می گویند به مثابه عناصر بی غیرت و میهنفروش افشا خواهد کرد.

آزادی ملت ما از چنگ خاینان داخلی و متجاوزین خارجی تنها به دست خود شان میسر است!
مرگ بر آدمکشان جهادی و طالبی و اربابان خارجی شان!
خروشان باد جنبش استقلال طلبانه و ضدبنیادگرایی در کشور ما!

حزب همبستگی افغانستان

۲۹ عقرب ۱۳۹۰ - ۲۰ نوامبر ۲۰۱۱